

بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه اخلاق در تعامل همسران از نگاه قرآن و روایان با تأکید بر سیره پیامبر(ص)

سهیلا محمدیان^۱

چکیده:

این نوشتار به سبک زندگی خانوادگی همسران از منظر قرآن کریم با تأکیدی بر سیره ی نبوی در رعایت اخلاق بین زوجین پرداخته است. مسلک پیشوایان معصوم (ع) این بوده که ازدواج را امری مقدّس دانسته‌اند و پیروان خود را در تداوم بنیان خانواده و رعایت معیارهای پارسایی و دینداری، آراستگی به فضایل اخلاقی، همتایی و تناسب و اصالت خانوادگی همسران سفارش می‌نمایند. روابط میان همسران در قلمرو خانواده که از آن به رابطه زناشویی یا ارتباط متقابل شوهر و همسر یاد می‌شود، شامل انواع روابط مانند رابطه حقوقی، فقهی، اقتصادی و عاطفی می‌شود، می‌توان قائل بود: یکی از انواع مهم روابط زناشویی، رابطه اخلاقی میان همسران در خانواده است که می‌توان آن را از منظر رابطه مرد با زن و بالعکس نام برد. لذا در رابطه تعامل زوجین از دیدگاه قرآن و سیره نبوی با گزاره‌های مختلف اخلاقی، بر رعایت سلوک اخلاقی بین همسران تأکید شده است.

واژگان کلیدی: اخلاق، تعامل، همسران، سیره، معاشرت.

^۱ - سطح دو، مرکز آموزش غیر حضوری قم. fakhredin.asadi@gmail.com

سبک خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم(ع) در ابعاد تشکیل خانواده و ازدواج، محیط خانواده و اداره آن و همسرپروری می‌باشد. آنچه در اسلام به عنوان رفتار الگویی و هنجار در روابط همسران توصیه شده است، اخلاق مهربانی، مدارا، گذشت، احسان و لطف در میان اعضا خانواده است. اصل یکصد دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استوار و قداست خانواده را بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی ترسیم می‌کند: «از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد»^۱. در آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره خوش اخلاقی، تعامل زوجین و رسیدگی مردان نسبت به خانواده توصیه‌های فراوان شده است. سیره خود پیامبر(ص) و امامان(ع) و اساتید اخلاقی، جملگی نیکی و محبت به همسر و فرزندان بوده است. در روایات دینی، مردانی که بداخلاقی می‌کنند به فشار قبر تهدید شده‌اند. از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم(ع)، باورها و اعتقادات نقشی اساسی در خانواده دارند. با توجه به مطالب فوق در این تحقیق، دنبال پاسخ این سؤال هستیم که همسران از منظر قرآن و روایت نسبت به همدیگر باید چه اصول اخلاقی را رعایت کنند؟.

- ضرورت و اهمیت جایگاه اخلاق در تحکیم بنیان خانواده و رعایت آن توسط همسران، مورد تأکید آیات قرآن کریم و روایات و سیره ی نبوی(ص) قرار گرفته است و نسبت به آثار سوئی که عدم رعایت آن دارد هشدار داده اند. در مباحث حوزه ی اجتماعی و علم آکادمیک نیز رعایت اخلاق زوجین از منظر جامعه شناسان و روانشناسان نیز مورد سفارش بوده است. بنابراین، رعایت اخلاق همسران، موجب تحکیم روابط و بیان خانواده می‌شود.

- از لحاظ پیشینه، کارشناسان امور دینی و خانواده تاکنون در قالب(آیین همسرمداری، امینی، ۱۳۸۹)،(نظام حقوق خانواده، انصاریان، ۱۳۸۰)،(سازگاری همسران، حسین زاده، ۱۳۹۰) و مجموعه های دیگری که در ضمن مطالب خود به تعاملات خانواده و زن و شوهر نیز (جوادی آملی، ۱۳۹۱)، به صورت پراکنده پرداخته اند و بدون تفکیک عوامل رفتاری از دیگر عوامل و از سوی دیگر، با جدا کردن بخش هایی از عوامل رفتاری، و همچنین در مواردی بدون تبیین و در مواردی با استفاده از گزاره هایی که کلی بوده و در زمره تعامل همسران نبوده است، سعی کرده اند به صورت کلی به مسئله تعامل همسران بپردازند. در حالیکه در این مقاله، بصورت مصداقی نمونه های عینی تعامل اخلاقی همسران از منظر قرآن کریم با تأکید بر سیره ی پیامبر(ص) تبیین شده است.

^۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۱۰.

گفتار اول:

مفهوم شناسی

الف - مفهوم خانواده

هر خانواده از مجموعه‌ای از افراد تشکیل می‌یابد که در پیوند خویشاوندی و زیستی قرار دارند و معمولاً در یک خانوار زندگی می‌کنند. خانواده،^۱ به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل معنا شده است. فیروز آبادی درباره تفسیر و تعریف خانواده در لغت می‌گوید: «خانواده سپر آهنین و برای مرد نیروی مطمئن است».^۲ برخی دیگر قائلند: «خانواده همان عشیره و خاندان او است، چرا که با ایشان قدرتمند می‌شود».^۳ جمعی از پژوهشگران، در تعریف خانواده گفته‌اند: «اهل خانه، شامل پدر، مادر و فرزندان، کوچکترین واحد اجتماعی، شامل پدر و مادر و فرزندان».^۴ خانواده از نظر اصطلاحی: «خانواده، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولیدمثل، توسعه می‌یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو، اسلام، که برنامه‌ی تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت‌ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است».^۵ در لغات معادل عربی برای مفهوم خانواده، کلماتی نظیر: «اهل»،^۶ «أسره»،^۷ «عیال»^۸ و «عشیره» را می‌توان مشاهده نمود. در اصطلاح فقهاء نیز لفظ عشیره بکار برده شده: «عشیره، اهل رجل و خانواده اوست که بوسیله‌ی آنها زیاد می‌شود و برای او به منزله عدد کامل می‌شوند که عشره، عدد کامل است. دیگران آن را اقوام نزدیک پدری یا قبیله گفته‌اند».^۹ محمود عبدالرحمان^{۱۰} در معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، قائل است که مراد از خانواده مجموعه احکامی است که روابط بین افراد یک خانواده را تنظیم می‌کند. بنابراین، خانواده در فارسی، معادل «اهل» در کلام عرب است. قرآن کریم واژه «اهل» را بارها در سوره‌های متعدد به معانی مختلف، از جمله به معنای خانواده در سوره نساء،^{۱۱}

۱- عمید، حسن، فرهنگ لغت، ص ۴۲۳.

۲- فیروز آبادی، محمدبن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳- انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی)، ص ۲.

۴- جمعی از پژوهشگران، تحت نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۳، ص ۴۲۱.

۵- محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، عربی-فارسی، مترجم حمید رضا شیخی، ص ۱۱.

۶- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۵۹.

۷- مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۶۸۳.

۸- همان.

۹- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۱۲۰.

۱۰- عبدالرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، ج ۱، ص ۱۷۴.

۱۱- نساء سوره ۴، آیه ۹۲، «فَدَيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ».

و مائده،^۱ بکار رفته است که اکثر مفسرین قرآن واژه «اهل» را خانواده معنا کرده اند و همچنین زن و فرزند، و اهل خانه در سوره قصص،^۲ به کار رفته است. گروهی از افراد که از راه پیوند زناشویی و خونی، و نیز روابط دیگر مانند فرزندخواندگی با هم در اقامتگاهی مشترک زندگی می‌کنند و کوچک‌ترین واحد اجتماعی نهادینه‌شده در جامعه را تشکیل می‌دهند. چنانکه در آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» آمده است. اهل البیت^۳ به همسر مرد نیز تعبیر شده است.

تعریف خانواده از منظر جامعه‌شناسی عبارت است: «گروهی خویشاوند است که در اجتماعی کردن فرزندان و بر آوردن برخی نیازهای بنیادی دیگر جامعه، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد و از گروهی از انسانها ترکیب می‌شود که از راه خون، زناشویی یا فرزند پذیری، با یکدیگر ارتباط می‌بندد و در طول یک دوره‌ی زمانی نا مشخص، با هم زندگی می‌کنند...»^۴ از منظر حقوقی، شورای انقلاب فرهنگی^۵ در مصوبه‌ی ای خانواده را به قرابت نسب، سبب و رضاع توسعه می‌دهد که خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر، و خواهر در ارتباط متقابل اند و فرهنگی مشترک پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند. از منظر حقوق دانان ایران، خانواده مفهوم محدودتری دارد؛ لذا ناصر کاتوزیان^۶ قائل است که خانواده گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و یا ریاست مقامی قرار گرفته است. سید حسین صفایی و اسدالله امامی^۷ نیز خانواده را گروهی که متشکل از زن و شوهر و هر آنکس از افرادی که سزاور دریافت نفقه از آنان باشند؛ از قبیل فرزندان، یا گروهی مرکب از شخص و خویشاوندان نسبی و همسر و کسانی که از یکدیگر ارث می‌برند تعریف کرده‌اند. شایان ذکر است آنچه به نظر می‌رسد این است که از بین تعاریف مذکور، تعریف مصوبه شورای انقلاب فرهنگی، جامع‌تر باشد هر چند فرزند خوانده را شامل نمی‌شود؛ اما با مستندات فقهی بر اساس آموزه‌های قرآنی^۸ و روایات (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب)^۹، قرابت رضاعی را نیز قرابت قلمداد کرده‌اند و از موانع نکاح می‌باشد و نیز از منظر فقهاء^{۱۰} که رضاع را حقیقتاً موجب نسبت مثل ولادت می‌دادند و اعتباری

۱- مائده، سوره ۵، آیه ۸۹، «مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ».

۲- قصص، سوره ۲۸، آیه ۲۹، «قَالَ لِلْأَهْلِ امْكُتُوا إِنِّي أَنَسْتُ نَارًا».

۳- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات، ص ۹۶.

۴- کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۲۷.

۵- مصوبه شماره ۵۶۴، مورخ ۱۳۸۴/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۶- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۴.

۷- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، منقوق از دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۱، ص ۱.

۸- نساء، سوره ۴، آیه ۲۳، «أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتِكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ...».

۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۴۳۷؛ طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ج ۷، ص ۳۲۳.

۱۰- بجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۴۳۷؛ سبحانی، جعفر، قاعدتان فقیهتان اللاضرر و الرضاع، ص ۱۲۵.

بودن آن را ردّ می کند تا حدودی قابل تطبیق می باشد. لکن، در تعاریف حقوق دانان با قید تحت ریاست مقام خاص و لزوم انفاق، فرزندی که ازدواج کرده اند و از پدر و مادر مستقل شده اند، اقارب رضاعی، فرزند خوانده و زوجه منقطعه از تحت شمول تعریف خانواده خارج می شود. بنابراین، خانواده، کوچک ترین اجتماع انسانی است که روابط اعضای آن در درجه نخست از پیوندی عاطفی و خونی برخوردار است که این رابطه تکالیف و حقوق خاصی را ایجاد می کنند.

ب- مفهوم زوجین یا همسران

اقدام به ازدواج، نخستین گام برای تشکیل خانواده و زوجیت است و به سبب همه کارکردها و نتایجی که خانواده داراست، عملی ارزشمند و ستوده است. واژه «زوجین» ثنیه زوج به معنای زن و شوهر، جفت، صنف آمده است و بهر دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات که ازدواج یافته اند گفته می شود: «زوج. بهر دو قرین در غیر حیوانات نیز زوج اطلاق می شود».^۱ قرآن کریم پا را از همه فراتر گذاشته و مسئله نر و مادگی را در تمام موجودات اعلان می کند اعم از زنده و غیر زنده و می فرماید: «و از هر چیزی دو نوع (نر و ماده) بیافریدیم تا مگر متذکر (حکمت خدا) شوید».^۲ بنابراین کلمه "زَوْجَيْنِ" یک جفت نر و ماده در جهان جانداران و گیاهان و جمادات و غیره... است؛ لذا این آیه روشن می کند که قانون نر و مادگی در تمام موجودات بدون استثناء جاری است. لذا ازدواج از منظر قرآن کریم، مایه آرامش زن و مرد است: «و از نشان های او این که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانان دوستی و رحمت نهاد».^۳ البته این آرامش در سایه رعایت اخلاق، حفظ حقوق اجتماعی و نتیجه ارضاء صحیح گرایش های انسانی تحقق میابد.

از منظر قرآن کریم، زوجیت زن و مرد منشأ الهی دارد؛ به این معنی که خداوند متعال این دو صنف را برای زوجیت یکدیگر آفریده است. می فرماید: «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، پروا کنید».^۴ این آیه کریمه^۵ در صدد بیان آن است، که خداوند متعال زوج آدم را همانند خود او از نوع انسان قرار داد این پیام در ضمن ابلاغ مفاد خود حامل این نکته نیز هست که این دو صنف (زن و مرد) با هدف ترکیب و ازدواج آفریده شده و به همین دلیل برای تعبیر از آن ها واژه زوج به کار آمده است. بر این اساس، زوجیت زن و مرد از منظر قرآن کریم منشأ الهی داشته و اقدام در این راستا حرکت در مسیر اراده الهی محسوب می شود و حقوقی را برای زوجین در تقویت بنیان خانواده ایجاد می کند.

^۱ - <https://zas.kowsarblog.ir>

^۲ - ذاریات، سوره ۵۱، آیه ۴۹. «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ».

^۳ - روم، سوره ۳۰، آیه ۲۱. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه».

^۴ - نساء، سوره ۴، آیه ۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...».

^۵ - رازی، فخر، مفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۸۹.

پ- مفهوم اخلاق

اخلاق جمع خُلُق و خُلُق می باشد؛ لذا این واژه،^۱ هم خوی‌های نیکو و پسندیده مانند جوان‌مردی و دلیری را شامل می‌شود و هم خوی‌های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را در بر می‌گیرد. به گفته راغب در کتاب مفردات،^۲ این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می‌گردد. خُلُق به معنای هیات و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خُلُق به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود».^۳ در فرهنگ معین،^۴ اخلاق به معنی خلق و خوی‌ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی و نیز به عنوان یکی از شعب حکمت عملی خوانده شده است. مرحوم علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید: «خلق عبارت است از ملکه نفسانیه‌ای که از آن افعال به سهولت و راحتی صادر می‌گردد که البته این مطلب خود به دو بخش فضیلت و رذیلت منقسم می‌گردد. فضایل اخلاقی عبارتند از ملکات پسندیده مثل عفت و شجاعت و رذائل اخلاقی عبارتند از ملکات ناپسند، مثل هرزگی و ترس. البته هنگامی که اخلاق و یا خلق استفاده می‌شود، در مرحله اول از آن، خلق نیکو و فضائل فهمیده می‌شود».^۵ در خصوص خانواده که اجتماعی کوچک است، سفارش‌های اخلاقی مهمی در قرآن مانند: نیکی به پدر و مادر و خویشاوندان: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ». رفتار پسندیده زن و شوهر با هم‌دیگر: «وَأَمْرًا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ».^۶ و وفاداری به تعهد مالی از دواج (مهر): «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ».^۷ وجود دارد. بنابراین با توجه به وسعت مفاهیم اخلاقی در قرآن و روایات،^۹ به رعایت اخلاق نیکو در روابط زناشویی همچون: فروتنی، گذشت، مدارا کردن در تعامل با دیگران و صلۀ رحم و پرهیز و دوری گزیدن از رفتارهای ناشایست مانند تکبر، حسد، بخل و حرص، سفارش شده است. لذا اخلاق، عکس‌العملی است نسبت به مشکل‌همکاری در میان افراد یا گروه‌های رقیب، و هدفش فرو نشانیدن نزاع‌هایی است که ممکن است در ظروف اجتماعی رخ دهد.

۱- مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، صص ۱۹ و ۲۰؛ معلمی، فلسفه اخلاق، صص ۱۳ و ۱۴.

۲- راغب، مفردات، کلمه خلق، ص ۱۵۸.

۳- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۱، صص ۲۴-۲۳.

۴- معین، فرهنگ لغت، ص ۱۷۴.

۵- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۶۹.

۶- نساء، سوره ۴، آیه ۳۶.

۷- طلاق، سوره ۶۵، آیه ۶.

۸- نساء، سوره ۴، آیه ۴.

۹- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۵، صص ۱۶۱-۳۷۹.

ت- مفهوم تعامل و سازگاری

امروزه یکی از مهم ترین دغدغه های نسل جوان در راستای ازدواج، یافتن شریکی برای زندگی است که روحیه تعاملی، توافق و انطباق داشته باشد. جوانان همواره نگران ناسازگاری و فقدان تفاهم در زندگی زناشویی هستند، از این رو شناخت عوامل و مؤلفه های سازگاری میان زن و شوهر از مهم ترین مسائلی است که توجه روان کاوان و کارشناسان تعلیم و تربیت را به خود مشغول داشته است. در تعریف سازگاری آمده است: «تطبیق یا وفق دادن شخص نسبت به محیطی است که بدان تعلق دارد».^۱ در واقع، منظور از سازگاری، رابطه ای است که میان فرد و محیط او، به ویژه محیط اجتماعی و خانوادگی وجود دارد و به او امکان می دهد تا نیازها و انگیزه های خود را پاسخ گوید. مفهوم سازگاری در برگیرنده تمامی مهارت هایی است که به زوجین اجازه می دهد که بتوانند اختلاف نظر و سلیقه را به تفاهم تبدیل کنند و حتی گاه همدیگر را بدون رسیدن به تفاهم درباره یک موضوع بپذیرند. فرد زمانی از سازگاری بهره مند است که بتواند میان خود و محیط اجتماعی اش رابطه ای سالم برقرار و انگیزه های خود را ارضاء کند. انسان همواره در تعامل با محیط پیرامون قرار دارد. این تعامل به سمت سازگار نمودن محیط با ساخت درونی انسان [فرهنگ] و رفع تنش های نامطلوب محیطی پیش می رود. در واقع سازگاری نهایت تعامل است تا جایی که فرد، خود یا محیط پیرامونش را برای زندگی بهتر تغییر می دهد.

گفتار دوم:

اخلاق تعاملی همسران

الف- بر اساس آیات قرآن کریم

قرآن کریم در ابتدا، زن و مرد را لباس همدیگر معرفی می کند؛ لذا زن و مرد مسؤول و نگهبان حفاظت و پوشش عیوب اخلاقی یکدیگرند؛ قرآن مرد را برای زن لباس و زن را برای مرد لباس قلمداد می کند. رابطه ای برابر که وظیفه ای برای نگهبانی و حراست از یکدیگر دارند. لباسی که زشتی ها را می پوشاند، لباسی که نقص های پنهان و آشکار انسان را پنهان تر می کند، او را از انحرافات حفظ می کند و می تواند معرف شخصیت انسان و زینت بخش او باشد: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ».^۲ از منظر اکثر مفسرین قرآن،^۳ لباس یعنی جامه ای که بدن آدمی را می پوشاند اما خود از نظر دیگران پوشیده نیست. این آیه شریفه نوعی استعاره است به معنای یکی شدن و یگانگی. یعنی زندگی این دو جنس در عین تخالف در جنسیت نسبت به یکدیگر همپوشانی دارند.

^۱- ساعتچی، محمود، اصول روانشناسی، ص ۵۰۰.

^۲- البقره، سوره ۲، آیه ۱۸۷.

^۳- قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، «جمع الاحکام قرآن» ج ۲، ص ۳۱۷.

زن، زندگی مرد را می‌پوشاند و در مقابل، مرد نیز زندگی او را می‌پوشاند. و همین موضوع بالطبع نوعی از پیوند و آمیختگی را حاصل می‌کند. این خود از جمله عواملی است که علاقه میان آن دو را استوار و پابرجا نگاه می‌دارد. برخی دیگر قائلند: «این تعبیر ارتباط تنگاتنگ معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها را به یکدیگر و مساوات آنها را در این زمینه بیان می‌کند، زیرا با تعبیری یکسان از هر دو نامبرده است»^۱. بنابراین می‌توان نقش زن و مرد را از لحاظ اصول اخلاقی در ایجاد آرامش و سکونت برای یکدیگر و تأمین سلامت روانی افراد خانواده بسیار مهم دانست که تأمین نیازهای افراد خانواده در سایه رعایت اخلاق در زندگی مشترک همراه با محبت و صفا امکان پذیر است. لذا از منظر قرآن، اداره خانواده تنها از راه اخلاق امکان دارد و راه‌های دیگر، تنها برای زمان اختلاف و رسیدگی به آن پیش بینی شده است؛ کلیه تعبیری که قرآن در رابطه با زن و مرد مطرح کرده، نشان‌دهنده جانبی از علاقه زوجیت است، گاه با تعبیر حرث، گاه با تعبیر لباس و گاهی هم با عبارت سکونت و آرامش این مفهوم را بیان می‌فرماید.

سپس قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره نساء،^۲ دستور رعایت اخلاق به رفتار نیکو و پسندیده نسبت به همسر می‌دهد. سید شریف جرجانی می‌نویسد: «معروف هر آن چیزی است که در شرع نیکو شمرده شده باشد»^۳. طبرسی در مجمع البیان پس از آن که معروف را (طاعت) و منکر را (معصیت) معرفی می‌کند: «نظریه ای که معروف را کار پسندیده و متعارف از نظر عقل یا شرع می‌داند سرانجام به همین معنی باز می‌گردد»^۴. آیه مبارکه: (و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف) نیز به گونه ای صریح، وظایف، حقوق و اخلاق معاشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی می‌کند. نصوص روایی و سنت نیز معروف را همین معنی می‌شمارد. رسول اکرم (ص) در خطبه (حجّة الوداع) فرمود: «شما را بر زنان حقی است؛ همان گونه که ایشان را بر شما حقی است. از حقوق شما بر زنان است که نگذارند بر فراش شما کسی پا گذارد و زنان در آنچه معروف است از شما اطاعت کنند. هرگاه این حقوق از ناحیه زنان انجام شود بر شما است که خوراک و پوشاک ایشان را طبق متعارف تأمین کنید»^۵. رشیدرضا در تفسیر المنار می‌نویسد: «در مفهوم (معاشرت) مشارکت و برابری نهفته است، یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنید! و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند»^۶. وهبه زحیلی^۷ از قرآن پژوهان و مفسران معاصر، به هنگام بر شماری حقوق شوهر بر

^۱ - طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۴.

^۲ - نساء، سوره ۴، آیه ۱۹. «...وعاشروهنّ بالمعروف...».

^۳ - نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تصحیح و تحقیق محمود قوچانی،

^۴ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۸۲.

^۵ - زحیلی، وهبه، «التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج»، ج ۴، ص ۳۰۳. «و لکم علیهنّ حقّ و لهنّ علیکم حقّ، و من حقّکم

علیهنّ ان لا یوظئن فراشکم احداً و لا یعضینکم فی معروف. و اذا فعلن ذلک فلهنّ رزقهنّ و کسوتهن بالمعروف».

^۶ - محمد رشید، رضا، «تفسیر القرآن الکریم "تفسیر المنار"»، ج ۴، ص ۴۵۶.

^۷ - زحیلی، وهبه، «الفقه الاسلامی و ادلته»، ج ۳، صص ۳۲۷ و ۳۴۷.

زن از جمله آن حقوق برخوردار و اخلاق معاشرت به معروف زن را یاد می‌کند. اسلام نیز همچون ادیان دیگر به تعریف حقوق متقابل اعضای خانواده پرداخته است به ویکی فقه مراجع شود نقش باور به اصل نبوت و امامت در زندگی خانوادگی به دو بُعد باز می‌گردد: اولین بُعد آن آموزش امور دینی است که مهم‌ترین آنها شناخت تعالیم دین پس از کلام خداوند، احادیث پیشوایان معصوم (ع) و الگوپذیری از آنان در ابعاد مختلف زندگی مخصوصاً زندگی خانوادگی است؛ مانند گزینش همسر، مهریه و جهیزیه، مراسم ازدواج، روش برخورد با فرزندان، با همسر، والدین و... می‌باشد. مهم‌ترین و صریح‌ترین تعبیری که بر سلوک اخلاقی مرد با همسر اشاره دارد، آیه نوزده سوره نساء است که با یک تعبیر عام «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» به مردان سفارش می‌کند تا با زنان و همسران خود معاشرت نیکو داشته باشند. یکی از حقوق و وظایف متقابل و مشترک زوجین (زن و شوهر) حُسن معاشرت آنها با یکدیگر است. به عبارت دیگر، زن وظیفه دارد با شوهرش به نیکی معاشرت کرده و نیز حق دارد از شوهر خویش حُسن معاشرت بخواهد، چنان‌که مرد نیز حق دارد از همسر خویش تکریم و معاشرت نیکو طلب کرده و هم موظف است با همسرش به نیکی و مهربانی رفتار کند. این کثیر مصادیق معاشرت به معروف را چنین برمی‌شمارد: «معاشرت با معروف یعنی با همسرانتان خوش زبان و خوش رفتار باشید، خود را بیارایید - به اندازه توانایی - همان سان که دوست دارید همسرانتان خود را برای شما بیارایند، شما نیز همان کنید که از همسرانتان می‌پسندید.»^۱ در واقع، مفهوم آیه ۱۹ سوره نساء چنین که معاشرت به معروف ملاک رفتاری برای مردان تنها نیست و مقصود از: (و عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) هم زمان تعیین ملاک اخلاقی و مبنای رفتاری شوهر با زن و زن با شوهر خویش است؛ پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانوادگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف رفتار کنند و حقوق برابر و مساوی دارند. در همین راستا، ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی از موازین اسلامی اقتباس شده و مقرر می‌دارد: «زن و شوهر مکلف به حُسن معاشرت با یکدیگرند».^۲ بنابراین، رعایت اخلاق بر پایه معروف و پسندیده به معنای رفتار بر پایه همه خوبی‌ها، خیرات و فضیلتی خواهد بود که عقل و عرف و شرع آن را برای خود و دیگران پسندیده می‌شمارند.

قرآن کریم هر نوع تفاوت در جنسیت (زن و مرد بودن) هیچ نقشی در کاستی و یا افزونی انسان بودن را نمی‌کند: «شما مردم را از یک جان آفرید و همسر او را از همان جان آفرید».^۳ و در آیه دیگر می‌فرماید: «اوست خداوندی که شما را از یک جان آفرید و از همان جان همسر او را بیافرید».^۴ در همین راستا، واژه معروف در قرآن، در ۴۰ آیه به کار رفته است که از این تعداد، ۱۰ آیه به موضوع امر به معروف اشاره دارد و ۱۹ آیه به موضوع

^۱- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴۶۶.

^۲- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۰۳.

^۳- زمر، آیه ۶. «خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها...».

^۴- اعراف، آیه ۱۸۹. «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها...».

خانواده و روابط میان اعضای آن، مانند زن و شوهر و پدر و مادر، می‌پردازد و ۱۱ آیه نیز به غیر این دو موضوع اختصاص دارد.

بنابراین، مصادیق خوب زن‌داری و سلوک اخلاقی شوهر در ارتباط با همسر را به دو قسمت می‌توان تقسیم کرد؛ سلوک اخلاقی کنشی و سلوک اخلاقی واکنشی. در سلوک کنشی، شوهر خود آغازگر رفتارهای اخلاقی در ارتباط با همسر است و در سلوک واکنشی، شوهر در واکنش به رفتارهای غیر اخلاقی همسر، عکس‌العملی اخلاقی انجام می‌دهد. در این میان، پیامبر(ص) بزرگترین سرمشق برای مردان در برخورد با زنان می‌باشد تا آنجا که خدای تعالی دو آیه را درباره توجّه و اهتمام پیامبر(ص) در تعامل اخلاق مطلوب با همسرانش نازل فرموده است: «ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده، به خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است».^۱ بنابراین، خوش اخلاقی با همسر، محبت به همسر، مهربانی به همسر، احترام به همسر، شاد کردن همسر و خدمت کردن به همسر نمونه‌هایی از سلوک کنشی شوهر است و تغافل از بدی‌های همسر، صبر بر بد اخلاقی همسر، عفو و گذشت از خطای همسر و ملایمت و مدارا با همسر را می‌توان از مصادیق سلوک واکنشی شوهر برشمرد. برای نمونه، پیامبر خدا در سفارشی به امیرالمؤمنین علی فرمودند: «ای علی! با خانواده و همسایگان و کسانی که با آنان معاشرت و هم‌نشینی داری، خوش اخلاق باش تا نزد خداوند در درجات بلند نوشته شوی و در حدیثی از ایشان منقول است که در روز قیامت، آن کس از شما به من نزدیک‌تر می‌نشیند که خوش‌خوترین شما باشد و برای خانواده‌اش بهترین کس باشد: «ای مردمان! تقوای پروردگارتان را پیشه دارید، همو که شما را از یک جان آفرید و جفت او را نیز از همان جان یگانه آفرید و از این زوج هم جان و هم نوع مردان بسیار و زنان - بسیار - برپهنه گیتی پراکنده ساخت....».^۲ در نتیجه از منظر موازین اسلامی، همزیستی مسالمت آمیز به کشمکش‌ها و برخوردها و زیاده‌خواهی‌ها مبدل گشته و ضرورت تنظیم قوانین و مقرراتی که روابط اعضای جامعه بشری را سامان می‌دهد. در همین راستا خداوند متعال می‌فرماید: «مردم یک امت بودند (و بر یک روش) از آن پس خداوند پیامبران را پیاپی برانگیخت تا مردمان را بشارت دهند و بترسانند (از عذاب الهی) و با ایشان فرستاد کتاب را به حق تا در اختلافات مردم حاکم و داور باشد...».^۳ بر پایه آنچه این آیه مبارکه می‌آموزد مردمان در مسیر زندگی جمعی سه دوره را پیموده‌اند: ۱. دوره و مرحله ای که همه یا بیشتر انسانها یک امت بوده‌اند و زندگی مسالمت آمیز داشته‌اند. ۲. دوره ای که زمینه‌های اختلاف پدید آمد و انسانها به نزاع و کشمکش پرداختند. ۳. دوره تشریح قوانین زیست جمعی، معیارهای حقوقی و... بخشی از ضوابط و مقررات دوره حیات جمعی و قانونمندی بشر به تبیین ملاکها، شیوه‌ها و بایدها

۱- تحریم، آیه ۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

۲- نساء، سوره ۴، آیه ۱. «يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً كثيراً و نساءً...».

۳- بقره، سوره ۲، آیه ۱۳. «كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه...».

و نبایدهای رفتار متقابل مردان و زنان که دو گروه اصیل و نخستین در پایه گذاری و پدیداری زندگی اجتماعی انسان به شمار می روند، اختصاص دارد.

«قوم» که در آیه ۳۴ سوره نساء^۱ آمده است صیغه مبالغه و به معنای کسی است که در رسیدگی به امور دیگران، خودش به تنهایی و بدون تکیه بر دیگری اقدام می کند و به تدبیر امور زن و برآوردن نیازهای او اشراف دارد. «قوامون»^۲ در آیه مورد بحث به معنای شوهرانی است که در تدبیر امور و برطرف کردن نیازهای زن، اشراف دارند. در تفاوت ساختاری تنظیم خانواده، برخی مفسرین،^۳ با استناد به آیه ۳۲ سوره نساء: «خداوند نسبت به هر چیز، داناترین است»^۴ قائلند: محتوای این آیه، آن است که نظام احسن را به هم نزدیک و هرکس به پست و نقش خود در این عالم، راضی باشد تا همه کارها به صحت و سلامت پیش رود. مرد و زن، هر یک وظیفه فطری خود را انجام دهد خداوند از دیگران آگاه تر است و بهتر می داند که این نظام آفرینش، به چه سبک و روشی بهتر اداره می شود. نکته اینکه اسلام هرگز برای مردان نسبت به زنان امتیاز و ترجیح حقوقی قائل نیست؛ در عین حال، برای زن و مرد، حقوق یک شکل و یک نحو نیز قائل نشده است؛ لذا استاد مطهری قائل است: «اسلام اصل «مساوات» را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است و با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست اما با تشابه حقوق آنها مخالف است»^۵. صاحب تفسیر نمونه،^۶ در این خصوص گفته البته ممکن است زنانی در جهات مذکور بر شوهران خود امتیاز داشته باشند؛ ولی قوانین به استثنائات و موارد معدود ناظر نیست، بلکه نوع و کلی را در نظر می گیرد و شکی نیست که از نظر کلی، مردان نسبت به زنان برای این کار آمادگی بیشتری دارند؛ اگر چه زنان نیز می توانند وظایفی به عهده بگیرند که اهمیت آن مورد تردید نیست.

از منظر قرآن کریم، در یک اجتماع دو نفری نیز، باید یکی به عنوان مسئول و سرپرست اداره امور را سامان دهی کند و قرآن کریم این مأموریت را در خانواده، به مردی که صاحب تعقل و تدبیر است سپرده است؛ چون مردان در مناقشات خارج از منزل با نظام طبیعت هماهنگ تر به نظر می رسند و باید هزینه زندگی را تأمین کنند. لذا زن و شوهر یک روح در دو پیکرند و این مطلب از آیه ۳۵ سوره نساء می آید: «و اگر از شکاف میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید»^۷؛ زیرا کلمه «شِقَاق» در جایی به کار می رود که یک چیز به دو قسمت تقسیم شود. با این منطق هر گاه همسری شکایت کند، نباید فوراً پیشنهاد جدایی داد؛ بلکه اصول اخلاقی حکم می

۱- نساء، سوره ۴، آیه ۳۴. «الرجال قوامون على النساء».

۲- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۸، ص ۵۴۹.

۳- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۳۷.

۴- نساء، سوره ۴، آیه ۳۲. «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا».

۵- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ج ۱۹، ص ۱۳۰.

۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱.

۷- نساء، سوره ۴، آیه ۳۵. «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا».

کند که با صبوری، تعامل بیشتری در جلب رضایت همسرش هزینه کند. با توجه به تعالیم قرآن کریم، رابطه اخلاقی زن و مرد باید بر اساس مودت و رحمت باشد؛ زیرا عامل بقا و تداوم آرامش در زندگی مشترک است. خدای متعال می فرماید: «و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه شدید و رحمت قرار داد؛ بی شک در این نعمت الهی، برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است»^۱. یکی دیگری از اصول اخلاقی مورد تأکید قرآن کریم که در آیات متعدد از جمله آیه ۵۸ سوره نور از سه زمان خلوت همسران سخن به میان آمده هیچ کس در آن سه وقت از شبانه روز حق ورود به خلوتگاه همسران را ندارد. لکن این خلوت کردن ها موجب تحکیم اخلاق و روابط همسری می شود.

در نتیجه از منظر قرآن، خانواده بهشتی، خانواده‌ای است که بین اعضای آن همبستگی و صمیمیت در مسیر اخلاق باشد: «باغ‌های جاودانی که آنان و هر کس از پدران و همسران و فرزندان‌شان که صالح بوده‌اند، بدان داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری (برای تبریک و تهنیت) بر آنان وارد می‌شوند»^۲. بنابراین، خوش اخلاقی و رفتار نیکو؛ اخلاق، در اصل به معنای نهاد، باطن و سیرت است. انسان خوش اخلاق، یعنی انسانی که دارای نهاد و باطنی پاکیزه و ارزشمند است که یکی از آثارش، در زمره ی خانواده ی بهشتی قرارگرفتن در سرای آخرت است. لذا همسران باید هر کدام نسبت به وظایفشان به طرف مقابل آگاه باشد و هر یک بدانند که زن و مرد در مقابل نیازهای اخلاقی، عاطفی، روحی و روانی، جنسی، اجتماعی و خانوادگی یکدیگر وظیفه دارند، که کوتاهی در برابر هر کدام از این ها منشأ اختلاف می شود و دانستن این وظایف محقق نمی گردد؛ مگر آن که زن یا مرد هر کدام مدت زیادی پیرامون این موضوعات، با مراجعه به قرآن و مطالعه آیات مربوط به حقوق همسران آن را در زندگی خود عملیاتی کنند. به بیان دیگر اصل مدیریت در داخل منزل و خانواده یکی از اصول بسیار مهم اخلاقی است که بسیاری، از همسران از آن غافلند، چون به اهمیت آن آگاهی ندارند. چه بسا یک فرد بتواند استانی را مدیریت نماید و یا لشگری را فرماندهی نماید، اما در مدیریت منزل و رعایت حقوق خانواده پنج الی شش نفری عاجز باشد.

ب- براساس سیره پی‌امبر(ص) و ائمه(ع)

^۱ - روم، سوره ۳۰، آیه ۲۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

^۲ - رعد، آیه ۲۳. «جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ»

یکی از اصول اخلاقی که در سیره ی پیامبر(ص) مورد تأکید قرار گرفته است و همسران در تعاملات زندگی مشترک خود ملزم به رعایت آن هستند؛ اخلاق تشکر و سپاسگزاری از همدیگر است. چه بسا مردان و زنانی که فقط زحمات و تلاش‌های خود را می‌بینند و توقع تشکر از دیگران دارند و بر آنان منت می‌نهند؛ اما زن و مرد متدین با تأسی از سیره پیامبر(ص)، هر کدام به وظیفه خود توجه نموده و زحمات دیگری را دیده و به جای منت گذاردن کار خود، از تلاش او تشکر می‌کنند. شوهری که زحمات همسرش را ببیند، از نظافت منزل، تهیه غذا، بچه‌داری و سایر کارهایی که زن انجام می‌دهد، تشکر می‌کند. همین تشکر لسانی، به همسر انرژی مثبت داده و او را به تلاش بیشتر ترغیب، و کانون زندگی را روز به روز گرم‌تر می‌کند. این در حالی است که ناسپاسی مرد و ندیدن زحمات همسر، چه بسا زن را در کارش سست و بی انگیزه نماید و هر روز از شیرینی زندگی کاسته شود. امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «انسان بزرگوار، از تلاش اندک نیز تشکر می‌کند».^۱ در همین راستا، امام سجاد(ع) نیز فرمودند: «خداوندا به تو پناه می‌برم... از اینکه کسی کار خوبی در حق من انجام دهد و من از او تشکر نکنم».^۲ البته اخلاق و زندگی توحیدی، وظیفه‌محور است و کار باید برای رضای خدای تعالی باشد؛ اما همان‌گونه که فرد وظیفه دارد برای خداوند متعال کار کند، طرف مقابل هم وظیفه دارد زحمات او را ببیند و از او تشکر نماید.

پیامبر گرامی(ص) دربارهٔ ارزش و جایگاه خوش‌اخلاقی می‌فرمایند: «شایسته‌ترین مردم از نظر ایمانی، خوش‌اخلاق‌ترین آنها و مهربان‌ترین آنها با خانواده‌اش است و من مهربان‌ترین شما با خانواده‌ام هستم».^۳ ایشان در حدیثی دیگر نقل می‌کند: «عصبانی مشو و از مردم چیزی طلب مکن و آنچه را برای خود می‌پسندی برای مردم نیز همان را بپسند».^۴ لذا براساس قاعده معروف اخلاقی "هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند" انسان می‌بایست بهترین‌ها را برای دیگران بخواهد، به طریقی که دوست دارد دیگران نیز چنین رویه و رفتاری را با او در پیش بگیرند. همین امر در تعامل اخلاقی همسران و زندگی زناشویی نیز قابل استخراج و اولویت دارد. لذا امیر مؤمنان امام علی(ع) می‌فرماید: «خودت و خانواده ات و نزدیکانت و کسانی که به آنان علاقه داری، با مردم منصفانه رفتار کنی و با دوست و دشمن به عدالت رفتار نمایند».^۵ از جمله مهم‌ترین شرایط رضایت زن و شوهر از زندگی زناشویی، رعایت اخلاق حسنه و خوش رفتاری آنان نسبت به یکدیگر است. اساس زندگی زناشویی بر محبت و دوستی زن و شوهر با یکدیگر بنا شده است. به همین علت است که در سیره پیامبر(ص) بسیار توصیه شده که همسران، به‌ویژه مرد، در رعایت اخلاق به همدیگر اظهار محبت و مهربانی کرده و این

۱- تمیمی آمدی؛ عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۷۷. «الْكَرِيمُ يُشْكِرُ الْقَلِيلَ».

۲- علی بن الحسین امام زین‌العابدین(ع)؛ الصحیفه السجادیه؛ ص ۵۶. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... وَ تَرَكِ الشُّكْرَ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا».

۳- الحر العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۴- طوسی، محمدبن حسن، امالی طوسی، ص ۵۰۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۲۲.

۵- آمدی، ابوالفتح. «تصنیف غررالحکم و درر الکلم» ح ۹۱۰۱، ص ۳۹۴.

محبت خود را آشکار سازند: «با زنان مهربانی کنید و دل‌هایشان را به دست آورید تا با شما همراهی کنند، و هرگز آنان را مجبور و خشمگین نکنید. در روایت دیگری نیز می‌فرماید: اگر مردی به همسرش بگوید «دوستت دارم» هرگز از قلب او خارج نمی‌شود همچنین آن حضرت فرموده‌اند: هرگاه کسی را دوست داشتی، او را بدان آگاه ساز، زیرا این کار، دوستی را در میان شما استوارتر می‌سازد»^۱. لذا محبت به همسر و مهربانی با او یکی از راه‌کارهای اخلاقی برای شیرینی و شادکامی زندگی زناشویی و یکی از آموزه‌های اخلاقی اسلام است و شاه‌کلید خوشبختی گرچه دوجانبه بوده و هم زن و هم مرد (همسران) موظف هستند تا به آن ملتزم باشند.

ج- نحوه‌ی تعامل اخلاقی از منظر موازی‌ن اسلامی

جهت تحلیل و تقریب به ذهن مسأله اخلاقی همسران، نمونه‌های از اصول اخلاقی زوجین که در رابطه‌ی زندگی زناشویی با آن در تعامل هستند و در سیره‌ی نبوی (ص) مورد تأکید بوده است بصورت مصداقی مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهیم. حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «بهترین زنان، زن زایا، بسیار مهربان و پاکدامن است که نزد خویشاوندان خود عزیز باشد و در برابر شوهرش فروتن و مطیع، خود را برای شوهرش بیاراید و از غیر او بیپوشاند، سخن شوهرش را بشنود و فرمان او را اطاعت کند و چون شوهرش با او خلوت کند، خود را در اختیار او قرار دهد»^۲. لذا در زمینه اخلاق و رفتار،^۳ وقتی زن گرفتید وقتی شوهر کردید باید اخلاقتان را خوب کنید باید همکاری کنید باید گذشت کنید باید محبت کنید باید او را دوست بدارید و به او وفاداری کنید اینها همش احکام شرع است و همه اش دستورات است.

۱- پرهیز از دوستی با افراد آلوده

بر اثر دوستی با افراد آلوده، فسادهای اجتماعی به تدریج به خانواده زناشویی رخنه کرده و بنای آن را فرو می‌ریزد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «پرهیز از هم‌نشینی با افراد بد؛ زیرا تو، به وسیله او شناخته می‌شوی»^۴. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «با تبه‌کاران هم‌نشین نشو، مبدا عمل بد او در تو تأثیر گذارد»^۵. امام باقر (ع) نیز فرموده‌اند: «بهترین زنان، آنهایی هستند که وقتی با شوهر هستند، تمام زیبایی‌ها و جذابیت‌ها و عواطف را نثارش می‌کنند و هنگامی که با دیگران هستند، لباس حیا و پاک‌دامنی بر تن می‌کنند و کاملاً پوشیده هستند»^۶. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اموال و دامن خود و همسرانتان را با خواندن سوره نور حفظ کنید، زیرا کسی که روزی یک

۱- نوری طبرسی، حسین مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۲۵۲. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۹.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ج ۱.

۳- خامنه‌ای، سید علی، فیش سخنرانی‌های اخلاقی ۱۳۷۷/۲/۷. <https://www.leader.ir>.

۴- نهج الفصاحه، ج ۱۰۱۲، ص ۳۳.

۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹۱.

۶- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۹.

بار این سوره را قرائت کند (و به احکام و مجازات بی‌عفتی آشنا شود) به فحشا کشیده نخواهد شد تا بمیرد»^۱. بنابراین، بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده، به‌ویژه همسران نسبت به یکدیگر است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «در پیشگاه خداوند متعال نشستن مرد نزد همسرش، از اعتکاف در مسجد من محبوب‌تر است»^۲. امام صادق (ع) نیز فرمودند: «برای صاحبان مروت و جوانمردی، هلاکت است که در شهری که خانواده‌اش در آن زندگی می‌کند، دور از منزلش شب را به صبح برساند»^۳. لذا پرهیز از رفیق بازی؛ مؤثرترین اصل اخلاقی هست که از خانواده‌ها مراقبت می‌کند. اما متأسفانه برخی از مردها به جهت آزادی که دارند، رفیق باز هستند. هر کسی را به منزل می‌آورند و بر اساس غفلتی که دارند یک زمان به خودشان می‌آیند که در دام فساد گرفتار شده‌اند. به قمار بازی یا استعمال مواد مخدر یا می‌گساری و در نهایت بی‌بندوباری، عادت کرده و به شب نشینی‌های خانمان برانداز قدم می‌گذارند. حقوق خانواده و همسرش را تضییع می‌کند و ممکن است در برخی موارد، همسر و فرزندانش نیز گرفتار فساد اخلاقی شوند.

۲- رعایت آراستگی همسران

رسول اکرم (ص)^۴ فرموده بهترین زن، زنی است که بیشتر برای شوهرش آرایش و زینت می‌کند اما از بیگانگان خود را می‌پوشاند. به فرموده امام صادق (ع)^۵، هیچ زنی نباید بیش از سه روز ترک آرایش و زینت کند مگر زنی که شوهرش از دنیا رفته است که چنین زنی باید تا پایان عده وفات (چهار ماه و ده روز) زینت و آرایش را ترک نماید. آراستگی و زینت زن برای شوهر، سبب شیرینی زندگی و تداوم آن می‌شود. پیامبر اکرم (ص) در تفسیر جمله «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» آیه ۳۱ سوره نور فرمودند: «خداوند آن دسته از زنان را که روی و موی خود را برای شوهر آرایش نمی‌کنند و نیازهای شوهر را برآورده نمی‌سازند، لعنت کرده است»^۶. در همین راستا فرمودند: «سه گروه از زنان عذاب قبر ندارند و در قیامت با حضرت فاطمه زهرا محشور می‌شوند: زنی که با فقر و تنگدستی شوهر خود بسازد؛ زنی که با بد اخلاقی شوهر، صبر و بردباری خود را از دست ندهد و زنی که مهریه خود را ببخشد»^۷. البته معنای این جمله آزاد بودن مرد در رفتار و اخلاق بد نیست؛ زیرا چنین مردان بد اخلاقی به قهر و عذاب الهی تهدید شده‌اند. بنابراین آراستگی ظاهری همسران بخصوص زوجه مورد تأکید سیره ی نبوی (ص) بوده است؛ چون عدم توجه به آرایش و آراستگی در مواردی ممکن است موجب دلسردی و بی‌میلی همسران نسبت

۱- همان، ج ۶، ص ۲۵۲.

۲- ورام، ابن‌ابی‌فراس مسعود بن عیسی؛ مجموعه ورام؛ ج ۲، ص ۱۲۲.

۳- صدوق، محمد بن علی، کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۵۵۵. «هُلِكَ بَدْوِي الْمُرُوءَةُ أَنْ يَبِيَّتَ الرَّجُلُ عَنْ مَنْزِلِهِ بِالْمَصْرِ الَّذِي فِيهِ أَهْلُهُ».

۴- همان، تهذیب، ج ۷، ص ۴۰۰.

۵- حرعاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۱.

۶- حویزی؛ عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین؛ ج ۳، ص ۵۹۳.

۷- العاملی؛ محمد بن حسن الحسینی مواعظ العدویه؛ ص ۷۵.

به همدیگر شود و منجر به مفسده ی ارتباطات نامشروع و خارج از چارچوب اخلاقی در سطح جامعه شود و در نهایت به طلاق عاطفی و سپس جدایی و از هم گسستگی خانواده منتهی شود.

۳- اثر مواد مخدر بر اخلاق زوجین

اعتیاد شوهر به سیگار و مواد مخدر و الکل از جمله موضوعاتی است که در تعامل اخلاقی همسران، درگیری و تنش ایجاد می کند. هر زنی طبق فطرتش دوست دارد وقتی با شوهرش رو به رو می شود، معطر باشد نه بوی سیگار و مواد مخدر و الکل و... بدهد، به طوری که گاهی اعتیاد و کشیدن سیگار باعث می شود مرد از خود حرکاتی غیر اخلاقی و خارج از حالت طبیعی نشان دهد که هر انسانی من جمله همسر و فرزندان از او متنفر گردند. بر این اساس رسول گرامی اسلام(ص) می فرماید: «کسی که گناه بنگ و حشیش را کوچک شمارد، کافر گردیده است»^۱. البته در این روایت، مراد از کفر، کفر عملی است و شامل کفر عقیدتی نمی شود. در نتیجه اعتیاد به افیون و مواد مخدر منجر به تضییع حقوق همسر و فرزندان و تضعیف بنیه ی مالی خانواده می شود. لذا مواد مخدر باعث از هم پاشیدگی بنیان اخلاقی خانواده می شود که اثرات منفی آن نیز در تعاملات اجتماعی افراد خانواده منجر به ناهنجاری و جرائم کیفری می شود.

۴- حق فراش و هم خوابی همسران

از روایات استفاده می شود، وظیفه اخلاقی زن آن است که تا شوهرش به بستر، نیامده نخوابد و با رعایت موازین اخلاقی خود را برای شوهر عرضه نماید تا او را از نظر غرائز ارضاء کند. اسلام، محیط خانه را محل عشق و محبت و ارتباطات عاطفی دانسته و توجه به غرایز زناشویی را محدود به محیط خانواده می داند. تمام حقوق و وظایفی که در اسلام آمده است، در حقیقت تبیین دقیق حدود و مرزهاست تا در محیط خانواده، زوجین با محبت در کنار هم شیرینی زندگی را تجربه کنند و نسبت به هم آرامش فکری داشته باشند. بر این اساس، حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «زمانی که زنی دور از بستر شوهرش، شب را به صبح برساند (شب نزد شوهرش نخوابد) فرشتگان الهی تا صبح او را لعنت خواهند کرد»^۲. در مقابل، مرد نیز وظیفه دارد روحیه و حالت همسرش را در نظر بگیرد و او را از نظر مسائل زناشویی به آرامش برساند، به بیان دیگر، مرد نباید تنها به فکر غرائز خودش باشد، بلکه طوری با همسرش هماهنگ باشد که او احساس نشاط و فرح نماید. در واقع این عمل از حقوق متقابل طرفین است که رعایت آن از طرف همسران، باعث تقویت روابط اخلاقی زوجین و تحکیم بنیان خانواده می شود و مورد تأکید سیره ی نبوی(ص) می باشد.

^۱- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۶.

^۲- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ج ۱۸۷، ص ۴۱.

۵- راز داری، نافرمانی، بخل و تکبر، رعایت دیدوبازدیدها

عدم تعامل مرد و زن، بنیان خانواده را تلخ می کند و اعتماد و اطمینان و احترام آنها از بین می رود. اما با حفظ اسرار و راز شوهر، بر درجات ایمان همسر افزوده شده و اعتماد مردم را به خود جلب کرده و مرد با دیده احترام به همسرش می نگرد. افشا نکردن اسرار و عیوب شوهر؛ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «همسرانتان لباس شما و شما لباس آنها هستید»^۱. لباس هم مایه ی زینت انسان است و هم عیوب انسان را می پوشاند؛ لذا اخلاق اسلامی و الهی حکم می کند که همسران نیز عیوب و نواقص همدیگر را پوشش دهند تا مایه ی فخر و زینت خانواده باشند و فرزندان نیز احساس آرامش کنند. زن خانواده نباید در غیاب شوهرش بی اجازه از منزل خارج شود؛ امام صادق (ع) از پدرانش و آنها از رسول خدای الهی و آله و سلم نقل می کند که حضرت می فرمایند: «زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود، و اگر بدون اجازه خارج گردد ملائکه آسمان، جن، انس و هر آن چه که این زن (نافرمان) از نزد آن عبور می کند به او لعنت می کند تا به آن هنگام که به خانه برمی گردد»^۲. در غیاب شوهرش نسب به حریمش و اموالش تکبر و بخل و ترس به خرج دهد. لذا حضرت علی (ع) می فرمایند: «خصلت های نیک زنان همان خصلت های بد مردان است: تکبر، بخل، ترس. هرگاه زن، متکبر باشد، خود را در اختیار بیگانه نمی گذارد. اگر بخیل باشد، مال خود و شوهرش را حفظ می کند. و زنی که ترسو باشد، از هر چیز (مشکوک) که در برابرش قرار گیرد، چشم می زند و فاصله می گیرد»^۳. رفت و آمد زیاد با اقوام یک طرف؛ گاهی رفت و آمد زیاد زن به منزل پدری و اقوامش و بی توجهی به مادر شوهر و سایر اقوام او و بالعکس باعث اختلاف بین همسران می شود. البته زن به طور طبیعی علاقه بیشتری به والدین و اقوامش دارد، همان طور که مرد هم از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا اخلاق حکم می کند که در راستای تحکیم بینان خانواده عدالت را رعایت کنند.

ضرب و شتم و کتک زدن همسر نیز مورد مذمت سیره نبوی (ص) قرار گرفته است و در این خصوص پیامبر (ص) فرمود: «من در شگفتم از کسی که زن خود را می زند، در حالی که خودش برای کتک خوردن، سزاوارتر است. زنانتان را مزیند که قصاص دارد»^۴. در رابطه با حد و چگونگی زدن، علامه مجلسی (ره) در روایتی از فقه الرضا (ع) نقل نموده است که: «زدن باید با وسایلی مانند مسواک و امثال آن باشد، آن هم با مدارا و ملایمت»^۵. ظاهر روایت فوق به خوبی نشان می دهد که "ضرب" باید در پایین ترین حد ممکن باشد و هرگز نباید اندک آسیبی بر بدن زن وارد کند. وسیله ای که در این روایت اشاره شده فقط چوبی بسیار نازک مانند مسواک و

۱- البقره، سوره ۲، آیه ۱۸۷. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و انتم لِبَاسٌ لِهِنَّ».

۲- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۴۸.

۳- سید رضی، ابوالحسن محمدبن الحسین، نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۵۸.

۵- همان، «والضرب بالسواک و شبهه ضرباً رقیقاً».

سبک و کم ضربه‌ای است؛ لذا هر گونه ضرب و شتم همسر از حق الناس است و موجب دیه می شود و هر مردی اقدام به این امر قبیح کند؛ ضمن تزلزل در بنیان خانواده، آثاری همچون بی برکتی در زندگی و کوتاهی عمر در دنیا و عذاب قبر الهی به دنبال دارد و رضایت همسر در طول زندگی باعث حلاوت زندگی و برکت در رزق و طول عمر می شود.

نتیجه گیری:

در نتیجه با توجه به یافته های به دست آمده در این پژوهش و در راستای تحقق اخلاق نیکو در خانواده و تعامل همسران، زوجین باید با تمسک به آیات زندگی از منظر قرآن کریم با تأکید بر سیره ی پیامبر(ص) و ائمه اطهار(علیهم السلام) در امور خانواده، سر لوحه و الگوی زندگی روزمره ی خود را انتخاب کنند تا اخلاق حسنه بین آنها جریان پیدا کند و خانواده ای سرشار از محبت، عشق و سرزنده داشته باشند و اگر رعایت نکنند ممکن است روابط همسران منجر به طلاق عاطفی و از هم گسستگی خانواده؛ یعنی طلاق شود.

بنابراین، از آیه قرآن کریم که به روابط میان اعضای خانواده(آیات زندگی) پرداخته است، بیشترین آیات، یعنی ۱۴ آیه آن، درباره رابطه شوهر با همسر است و در این موارد به مسائلی همچون: نحوه خواستگاری از زن، زندگی مشترک با همسر، مهر و طلاق توجه دارد. اما در مقابل نیز خوش اخلاقی با همسر، محبت به همسر، مهربانی به همسر، احترام به همسر، شاد کردن همسر، خدمت کردن به همسر، تغافل از بدی های همسر، صبر بر بداخلاقی همسر، عفو و گذشت از خطای همسر و ملایمت و مدارا با همسر از جمله ده نمونه و مصداق از خوب همسرداری توسط همسران و البته توجه مسؤلیت بیشتر در رعایت موارد فوق، نسبت به مرد خانواده در اندیشه اسلامی بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است که مقتبس از سیره پیامبر(ص) جهت تحکیم روابط اخلاقی همسران می باشد. لذا بر هر مسلمان رعایت این موارد، لازم و ضروری است.

فهرست منابع:

- قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان

- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی

الف - منابع فارسی

- ۱- انصاریان، حسین، *نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی)*، نشرام ایپها(س)، قم، ۱۳۸۰.
- ۲- جمعی از پژوهشگران، تحت نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)*، چاپ اول، دائره المعارف، قم، ۱۳۸۲.
- ۳- ساعتچی، محمود، *اصول روانشناسی*، چاپ پانزدهم، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۸.
- ۴- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، *حقوق زوجه نسبت به زوج در حقوق مدنی*، دانشنامه حقوق خصوصی، بی جا، ۱۳۹۰.
- ۵- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی، چاپ یازدهم، نشر دارالمکتب الاسلامیه، بی جا، ۱۳۷۵.
- ۶- عمید، حسن، *فرهنگ لغت*، چاپ ششم، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵.
- ۷- فیروز آبادی، محمدبن یعقوب، *قاموس المحيط*، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۸- قرشی، سیدعلی اکبر، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، دار الکتب العلمیه، تهران، ۱۳۷۱.
- ۹- کوئن، بروس، *درآمدی بر جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ بیست و چهارم، نشر توتیا، بی جا، ۱۳۹۴.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، *حقوق خانواده*، چاپ ششم، نشر گنج، تهران، بی تا.
- ۱۱- مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، چاپ چهارم، نشر علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۸۵.
- ۱۲- _____، *تفسیر نمونه*، نشر دارالمکتب الاسلامیه، قم، بی تا.
- ۱۳- مصباح یزدی، محمد تقی، *فلسفه اخلاق*، نگارش احمد حسین شریفی، موسسه امام خمینی(ره)، قم، ۱۳۹۰.
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، مترجم حمید رضا شیخی، نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹.
- ۱۵- مهیار، رضا، *فرهنگ ابجدی عربی فارسی*، چاپ دوم، نشر اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، بی جا، نشر صدرا، بی جا، ۱۳۵۷.
- ۱۷- معین، محمد، *فرهنگ لغت*، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۰.

ب- منابع عربی

- ۱- آمدی؛ عبدالواحد بن محمد تمیمی، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، مکتب العلم الاسلامی، قم، بی تا.
- ۲- ابن کثیر، ابوالفداء عمادالدین، *تفسیر القرآن العظیم*، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- ۳- ابن شعبه حرانی؛ حسن بن علی، *تحف العقول*، علی اکبر غفاری، چاپ هفتم، نشر آفرند، قم، ۱۴۲۷ق.
- ۴- بجنوردی، سید محمد حسن، *القواعد الفقهیه*، چاپ: سوم، ناشر: مؤسسه عروج، تهران، ۱۴۰۱ق.
- ۵- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۲۴ش.
- ۶- حر العاملی، محمد بن الحسن، *وسایل الشیعه*، نشر آل البيت لاحیا التراث، بی جا، ۱۳۶۷.
- ۷- حویزی؛ عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*؛ رسولی، هاشم، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
- ۸- رازی، محمدبن عمر فخررازی، *مفاتیح الغیب*، چاپ پنجم، ناشر: اساطیر، بی جا، ۱۳۷۹.

- ٩- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، *المفردات في غريب القرآن*، دارالقلم؛ بيروت: الدارالشاميه، ١٤١٦ق.
- ١٠- زحيلي، وهبة، *التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج*، چاپ دوم، نشر دارالفكراسلامى، دمشق، ١٤١٨ق.
- ١١- _____، *الفقه الاسلامى و ادلته*، نشر دارالفكراسلامى، دمشق، بى تا.
- ١٢- سبحانى، جعفر، *قاعدتان فقيهان الاضرر و الرضاع، تقريرات درس خارج*، نشر سيدالشهداء، قم، بى تا.
- ١٣- صدوق، محمد بن على، *كتاب من لا يحضره الفقيه*؛ چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامى حوزة علميه، قم، ١٤١٣ق.
- ١٤- طبرسى، فضل بن حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، نشر دارالمرضى، بيروت، ١٤٢٧ق.
- ١٥- طوسى، محمدبن الحسن، *تهذيب الاحكام في شرح المقتنه*، بى نا، بيروت، ١٣٢٥ق.
- ١٦- _____، *امالى طوسى*، چاپ اول، نشر انديشه هادى، قم، ١٣٨٨ق.
- ١٧- عبدالرحمان، محمود، *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهييه*، بى نا، قاهره، ١٤١٩ق.
- ١٨- على بن الحسين امام زين العابدين(ع)؛ *الصحيحه السجادية*؛ چاپ اول، ناشر: نشر مشعر، تهران، ١٤١٩ق.
- ١٩- فيض كاشانى، ملامحسن، *محجبه البيضاء*، نشر جامعه مدرسين، قم، ١٣٨٣ق.
- ٢٠- قرطبى، محمد بن احمد، *تفسير قرطبى، جمع الاحكام قرآن*، نشر ناصر خسرو، تهران، بى تا.
- ٢١- كلينى، محمدبن يعقوب، *الكافى*، دارالحديث، قم، ١٤٣٠ق.
- ٢٢- محمدرشيد، رضا، *تفسير المنار*، الناشر: الهيئته المصرية العامه للكتاب، مصر، ١٩٩٠م.
- ٢٣- مجلسى، محمدباقر، *بحار الأنوار*، نشر دارالكتب الاسلاميه، بى جا، ١٣١٥ق.
- ٢٤- مشكينى اردبيلى، على، *مواعظ العدييه*؛ مؤسسه علمى فرهنگى دارالحديث، قم، ١٣٩٢ش.
- ٢٥- مصطفوى، حسن، *التحقيق في كلمات القرآن الكريم*، نشر بنگاه ترجمه و نشر كتاب، بى جا، ١٣٦٠.
- ٢٦- نجفى، محمدحسن، *جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام*، تصحيح و تحقيق محمود قوجانى، نشر دارالكتب الاسلاميه، بى جا، ١٣٩٠ش.
- ٢٧- نورى طبرسى، حسين *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت، ١٤٠٨ق.
- ٢٨- ورام، ابن أبى فراس مسعود بن عيسى؛ *مجموعه ورام*، الناشر: مكتبة الفقيه، قم، ١٤١٠ق.